

مدل یابی تاب‌آوری خانواده بر اساس عوامل فردی و خانوادگی: نقش تاب‌آوری فردی

عباس آینه‌چی^۱

چکیده

این پژوهش با هدف مدل‌یابی تاب‌آوری خانواده بر اساس عوامل فردی و خانوادگی با تأکید بر نقش میانجی تاب‌آوری فردی انجام شده است. در این مطالعه هم‌بستگی، تعداد ۳۱۰ نفر از بیماران عضو انجمن ام اس قم به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به آزمون‌های سنجش خانواده (FAD)، ارزیابی انطباق‌پذیری و هم‌بستگی خانواده (FACES-III)، حمایت اجتماعی- مقیاس خانواده (PSS-Fa)، تاب‌آوری کانر- دیویدسون (CD-RISC)، تاب‌آوری خانواده (FHI)، و معنای زندگی (MLQ) پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از ضریب هم‌بستگی، رگرسیون چندگانه مجزا و تکنیک اطلاعات تفکیکی و مدل‌یابی معادلات ساختاری به شیوه تحلیل مسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان می‌دهد که معنا در زندگی به عنوان متغیر برون‌زاد، فقط پیش‌بینی کننده معنادار برای تاب‌آوری فردی و عملکرد خانواده است. تاب‌آوری فردی نیز فقط پیش‌بینی کننده هم‌بستگی خانواده بوده و از این مسیر با تاب‌آوری خانواده در ارتباط است. از بین همه متغیرها، فقط دو متغیر عملکرد خانواده و هم‌بستگی خانواده تأثیر مستقیم روی تاب‌آوری خانواده دارد. حمایت خانواده با هیچ یک از متغیرهای تاب‌آوری فردی و خانواده ضریب معنادار ندارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که برخی از عوامل فردی فقط زمینه‌ساز تاب‌آوری خانواده است و تأثیر مستقیم روی آن ندارد و زمانی روی آن تأثیرگذار خواهد بود که در کنار عوامل خانوادگی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: تاب‌آوری خانواده، تاب‌آوری فردی، عوامل خانوادگی، مدل‌یابی

۱. استادیار گروه تربیت و روانشناسی مرکز تحقیقات زن و خانواده قم؛ دانش آموخته سطح سه حوزه ab.ayenehchi@yahoo.com
تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۲۱ تاریخ تأیید: ۹۷/۹/۱۹

مقدمه

مفهوم تاب‌آوری خانواده،^۱ محصول چرخش توجه پژوهش‌ها از «استرس خانواده» به «نقاط قوت خانواده» بود که در اواخر دهه ۱۹۷۰ آغاز شد (وان‌بردا،^۲ ۲۰۰۱). این چرخش توجه در توصیف هاوولی و دیهان^۳ (۱۹۹۶) از دو رویکرد نظری به خانواده قابل مشاهده است:

الف. خانواده به عنوان یک عامل تهدید که آسیب‌پذیری اعضای خانواده را افزایش می‌دهد. بخش زیادی از ادبیات پژوهش درباره تاب‌آوری آن را در ارتباط با خانواده‌های عمیقاً ناکارآمد در نظر گرفته است که تصویر بسیار منفی از خانواده ایجاد می‌کند.

ب. خانواده به عنوان یک عامل محافظتی که تاب‌آوری اعضای خانواده را افزایش می‌دهد. بسیاری از پژوهشگران در رویکرد دوم، مانند بارن‌هیل^۴ (۱۹۷۹)، اپستین و بی‌شاپ^۵ (۱۹۸۱)، هانسن^۶ (۱۹۸۶)، السون، لای و مک‌کوبین^۷ (۱۹۸۸)، استینت و دفراین^۸ (۱۹۸۹)، تراپوت، دانت، دیل، هامر و پراپست^۹ (۱۹۹۰)، پالک^{۱۰} (۱۹۹۷) و جانسن^{۱۱} (۱۹۹۹)، لیست‌هایی از نقاط قوت خانواده تهیه کرده‌اند. برای مثال، لیستی که تراپوت و همکاران (۱۹۹۰) از نقاط قوت خانواده تهیه کرده‌اند، عبارت است از: الگوهای ارتباط، مهارت‌ها و شایستگی‌های بین فردی و ویژگی‌های اجتماعی و روان‌شناختی که احساس مثبت هویت خانوادگی را ایجاد می‌کند، تعامل رضایت‌بخش و کامل میان اعضای خانواده را بهبود می‌بخشد، پتانسیل گروه خانوادگی و اعضای خانواده فرد را توسعه می‌دهد و به توانایی خانواده برای مقابله مؤثر با استرس و بحران کمک می‌کند.

دو خط پژوهش، یعنی پژوهش‌های استرس خانواده که به دهه ۱۹۳۰ و پژوهش‌های نقاط

1. Family resilience
2. vanbreda, A.
3. Hawley, D. R. & De Haan, L.
4. Barnhill, L. R.
5. Epstein, N. B. & Bishop, D. S.
6. Hanson, S. M. H.
7. Olson, D. H., Lavee, Y. & McCubbin, H. I.
8. Stinnett, N. & De Frain, J.
9. Trivette, C. M., Dunst, C. J., Deal, A. G., Hamer, W. & Propst, S.
10. Polk, L. V.
11. Johnson, R.

قوت خانواده که به دهه ۱۹۷۰ برمی‌گردد، خانواده را به عنوان یک واحد بررسی کرده‌اند. هانگ^۱ (۱۹۹۱) که این پژوهش‌ها را در ۶۰ سال، یعنی از سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۹۰ مرور کرده است، بیان می‌کند که پژوهش درباره استرس خانواده مبنای بسیاری از پژوهش‌های بعدی درباره نقاط قوت خانواده را شکل می‌دهد. نکته قابل توجه آنکه هر دو رویکرد، خانواده را صرفاً به عنوان یک بافت برای فرد در نظر می‌گیرند. این تحول در پژوهش‌های خانواده در سال‌های گذشته نیز ادامه داشته که عبارت است از: ۱. چرخش توجه از خانواده به عنوان یک منبع ناکارآمد؛ ۲. چرخش توجه از خانواده به عنوان یک بافت برای تحول تاب‌آوری فردی به سوی خانواده به عنوان یک واحد بر حسب تاب‌آوری ارتباطی؛ ۳. چرخش توجه از تاب‌آوری فردی به تاب‌آوری خانواده. از این رو، ما شاهد آن هستیم که پژوهشگران خانواده، مفهوم تاب‌آوری که در روان‌شناسی مثبت‌گرا^۲ و در حوزه فردی ظهور یافته را به حوزه خانواده گسترش داده‌اند (وان‌بردا، ۲۰۰۱). پژوهشگران خانواده، ابتدا بررسی خانواده را به عنوان یک بافت برای تاب‌آوری فردی و بعدها به عنوان یک سیستم آغاز کردند (فرانکل، اسنودن و نلسون، ۱۹۹۲). بنابراین، با مرور ادبیات نظری درباره دو مفهوم تاب‌آوری و خانواده می‌توان تغییر از دیدگاه بافتاری خانواده^۳ به دیدگاه سیستمی خانواده^۴ را مشاهده کرد (بکوار، ۲۰۱۳). تفاوت این دو دیدگاه در ادبیات نظری، در پیشینه پژوهش نیز قابل مشاهده است. برخی از پژوهش‌ها، از جمله کاپلان^۵ (۱۹۸۲)، صبری و همکاران (۱۳۹۳)، صیدی سارویی (۱۳۹۲)، شیخ‌الاسلامی و همکاران (۱۳۹۴)، مشیریان و همکاران (۱۳۹۵) و البرزی و همکاران (۱۳۹۳)، تاب‌آوری را یک سازه درون‌روانی دانسته و با تأکید بر تاب‌آوری فردی، عوامل فردی و خانوادگی مؤثر بر آن را معرفی می‌کنند. غالباً این دسته از پژوهش‌ها به مدل‌یابی تاب‌آوری فردی پرداخته‌اند.

1. Huang, I. C.
2. positive psychology
3. Frankel, H., Snowden, L. R. & Nelson, L. S.
4. contextual perspective
5. systemic perspective
6. Becvar, D.
7. Caplan, G.

یکی از این پژوهش‌ها، مدل علی زیستی- روانی- معنوی^۱ ریچارسون^۲ (۲۰۰۲) است که رابطه علی میان عوامل فردی مانند ویژگی‌های سرشت و منش، هوش هیجانی، معنویت و دینداری و شیوه زندگی با تاب‌آوری فردی را تبیین کرده است. پژوهش کاپلان (۱۹۸۲)، از پژوهشگران خانواده در دیدگاه بافتاری، تحقیق دیگری است که عوامل خانوادگی را در مدل یابی تاب‌آوری فردی بررسی نموده است. او با بررسی خانواده در زمینه استرس و مقابله با آن، خانواده را صرفاً به عنوان یک بافت حمایتی نسبت به افراد عضو خانواده و در نتیجه، به عنوان یک واسطه برای تاب‌آوری فردی تصور می‌کند. در این راستا، می‌توان به پژوهش شیخ‌الاسلامی و همکاران (۱۳۹۴) نیز اشاره کرد که به تأثیر ابعاد فراهیجانی والدین با واسطه‌گری هوش هیجانی بر تاب‌آوری فردی پرداخته‌اند. صیدی سارویی و همکاران (۱۳۹۲) نیز در مدل خود به رابطه معنادار الگوهای ارتباطی خانواده و تاب‌آوری فردی اشاره کرده‌اند. همچنین در پژوهش صبری و همکاران (۱۳۹۳) اثر ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده بر تاب‌آوری فردی اثبات شده است. بنابراین، این پژوهشگران با اصل قرار دادن تاب‌آوری فردی، اثر خانواده بر آن را بررسی کرده‌اند.

بخش دیگر پژوهش، تاب‌آوری خانواده را مورد تأکید قرار داده و خانواده را به عنوان یک سیستم در نظر می‌گیرد؛ به جای اینکه آن را به عنوان صرفاً یک بافت برای افراد در نظر بگیرد. اسمیت^۳ (۱۹۷۷)؛ به نقل از: سیکسبی^۴ (۲۰۰۵) تحقیقات اولیه بر روی تاب‌آوری خانواده را انجام داد. به دنبال تحقیقات او، روند رو به رشدی به سمت یک نگاه سیستمی به تاب‌آوری آغاز شد. مک‌کوبین و مک‌کوبین^۵ (۱۹۹۳) تاب‌آوری خانواده را به عنوان ویژگی خانوادگی که باعث افزایش مقاومت و سازگاری آن‌ها در برخورد با تغییرات و شرایط بحرانی می‌شود، تعریف می‌کنند. آن‌ها در نوع‌شناسی خانواده‌های تاب‌آور، خود سیستم خانواده را بررسی کرده‌اند. در این دیدگاه، افراد کانون توجه نیستند؛ بلکه سیستم خانواده، مرکزیت داشته و افراد صرفاً اجزای خانواده هستند. والش^۶ (۱۹۹۶) به این مطلب به عنوان «تاب‌آوری رابطه» در مقابل «دیدگاه بافتاری به تاب‌آوری فردی»

1. biopsychospiritual model

2. Richardson, E.

3. Smith, a. l.

4. Sixbey, D. M.

5. McCubbin, M.A. & McCubbin, H.I.

6. Walsh, f

اشاره می‌کند. مک‌کوبین و مک‌کوبین (۱۹۸۸) معتقدند تاب‌آوری خانواده به مشخصات، ابعاد و ویژگی‌هایی اشاره دارد که به خانواده‌ها کمک می‌کند تا نسبت به ناآرامی در رویارویی با تغییر یا شرایط بحرانی مقاوم باشند. تاب‌آوری خانواده به فرآیندهای کلیدی اشاره می‌کند که خانواده‌ها را برای مقابله مؤثرتر در برابر بحران یا تنش مداوم، چه از داخل یا از خارج خانواده توانمند می‌سازد. تاب‌آوری خانواده می‌تواند به عنوان الگوهای رفتاری مثبت و افراد با کفایت کارآمد نیز تعریف شود و واحد خانواده در شرایط استرس‌زا و ناسازگار، توانایی خود برای بهبود یافتن با حفظ یکپارچگی خود به عنوان یک واحد را نشان می‌دهد و در صورت لزوم بازیابی و بهبود اعضای خانواده و واحد خانواده به عنوان یک کل را ضمانت می‌کند (وان‌بردا، ۲۰۰۱). این دسته از پژوهش‌ها به عنوان مثال، بنزیس^۱ و میکاژیک^۲ (۲۰۰۹)، مشایخ و همکاران (۱۳۹۰)، صیدی و همکاران (۱۳۹۰) و والش (۲۰۱۶) با اصل قرار دادن تاب‌آوری خانواده به بررسی عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر آن پرداختند. با ظهور و گسترش مفهوم تاب‌آوری خانواده، محققان متعددی به مفهوم‌پردازی و مدل‌یابی تاب‌آوری خانواده پرداختند که در این راستا می‌توان به مدل پاترسون^۳ (۱۹۸۳)، مدل مک‌کوبین (۱۹۹۶)، مدل والش (۲۰۱۶)، مدل باس^۴ (۲۰۰۱)، مدل کالیل^۵ (۲۰۰۳) و مدل گیانسی، کاسیناتو و کالسو^۶ (۲۰۱۰) اشاره کرد. با توجه به اینکه مدل‌های مفهومی به فرهنگ و جامعه وابسته است و این مدل‌ها ادعایی درباره تعمیم‌پذیری به خانواده‌ها و فرهنگ‌های مختلف ندارد، ضروری است در فرهنگ ایرانی-اسلامی به مفهوم‌پردازی و مدل‌یابی تاب‌آوری خانواده پرداخت. پژوهش مشایخ و همکاران (۱۳۹۰) که به مدل‌یابی تاب‌آوری خانواده بر اساس متغیرهای شناختی و هیجانی پرداخته است، نشان می‌دهد که متغیرهای مصائب شناختی و واکنش‌پذیری هیجانی به طور مستقیم و غیر مستقیم و ابراز هیجان به طور غیر مستقیم با تاب‌آوری خانواده رابطه دارند. این مطلب بیانگر آن است که با کاهش مشکلات شناختی و هیجانی، تاب‌آوری خانواده افزایش می‌یابد. شیخ‌الاسلامی و حسن‌نیا (۱۳۹۴) نیز در بررسی نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه علی ابعاد فراهیجانی

1. Benzies, K.

2. Mychasiuk, R.

3. Patterson, G. R.

4. Boss, P.

5. Kalil, A.

6. Gianesi, G; Cusinato, M & Colesso, N

والدین و تاب‌آوری فرزندان به این نتیجه رسیده‌اند که ابعاد فراهیجانی والدین با واسطه هوش هیجانی بر تاب‌آوری فرزندان اثر دارد. بر این اساس، آگاهی والدین از ماهیت و انواع هیجان‌های فرزندان و هدایت آنان در موقعیت‌های تجربه هیجان‌ها، می‌تواند به تجهیز آنان به توانمندی‌های هیجانی و مدیریت هیجان منجر شود و سازگاری فرزندان را در موقعیت‌های دشوار بالا ببرد و از این طریق به تاب‌آوری آنان کمک کند. صیدی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود نشان دادند که معنویت خانواده به طور مستقیم و غیر مستقیم پیش‌بینی‌کننده تاب‌آوری خانواده است. آن‌ها نتیجه گرفتند که وجود جو معنوی در خانواده‌ها، به طور مستقیم و همچنین از طریق ارتقای کیفیت ارتباط موجب تاب‌آوری و مدیریت مناسب مشکلات در خانواده‌ها می‌شود. پژوهش عبادت‌پور و همکاران (۱۳۹۲) بیانگر آن است که عملکرد خانواده، تاب‌آوری فردی و باورهای معنوی، رابطه منفی معناداری با دل‌زدگی زناشویی دارد و نتیجه گرفتند که تاب‌آوری فردی، باورهای معنوی و عملکرد خانواده به طور مستقیم و غیر مستقیم در کاهش دل‌زدگی زناشویی تأثیر دارد؛ لکن اثر تاب‌آوری فردی بر عملکرد خانواده در کاهش دل‌زدگی زناشویی بیشتر است. بنابراین، توجه به نقش تاب‌آوری فردی در عملکرد خانواده مفید به نظر می‌رسد.

بنا بر آنچه از پژوهش درباره روابط بین خانواده از یک سو و تاب‌آوری فردی و تاب‌آوری خانواده از سوی دیگر ارائه شد، فقدان یک الگوی جامع در این زمینه قابل مشاهده است. کمبودی که در این پژوهش‌ها وجود دارد، این است که اولاً متغیر تاب‌آوری فردی جزء عوامل فردی مؤثر بر تاب‌آوری خانواده بررسی نشده است. اگر چه عبادت‌پور و همکاران (۱۳۹۲) مدلی را آزمون کرده‌اند که در آن، اثر تاب‌آوری فردی بر دل‌زدگی زناشویی با نقش واسطه‌ای عملکرد خانواده ارزیابی شده است؛ ولیکن فقر پژوهشی در بررسی رابطه تاب‌آوری فردی و تاب‌آوری خانواده مشهود است. ثانیاً، اگر چه بنزیس و میکائیک (۲۰۰۹) تلاش کرده‌اند با مرور پژوهش‌ها، ۲۴ عامل تأثیرگذار بر تاب‌آوری خانواده را در سه دسته عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی طبقه‌بندی کنند، اما کمبودی که در این پژوهش وجود دارد، آن است که صرفاً به بیان عوامل گوناگون پرداخته شده است و سهم اثر و روابط علی میان آن‌ها مشخص نشده است. چنانکه خود این پژوهشگران در نتیجه‌گیری اشاره می‌کنند که در پژوهش‌های بعدی می‌توان به ایجاد الگوی جامع تاب‌آوری خانواده فکر کرد تا این عوامل و اثرات متقابل آن‌ها به دست آید. ثالثاً، رابطه بین عوامل خانوادگی و میزان سهم اثر هر یک از این عوامل در تاب‌آوری فردی و تاب‌آوری خانواده مشخص نشده است و در نتیجه، مدل جامعی

برای روابط علی میان آن‌ها وجود ندارد. بنابراین، هنوز ابهامات زیادی در این زمینه وجود دارد که پژوهش حاضر درصدد پاسخ به برخی از این ابهامات است. پرسش‌های پژوهش عبارت است از:

۱. چه رابطه‌ای بین عوامل خانوادگی و تاب‌آوری خانواده وجود دارد؟

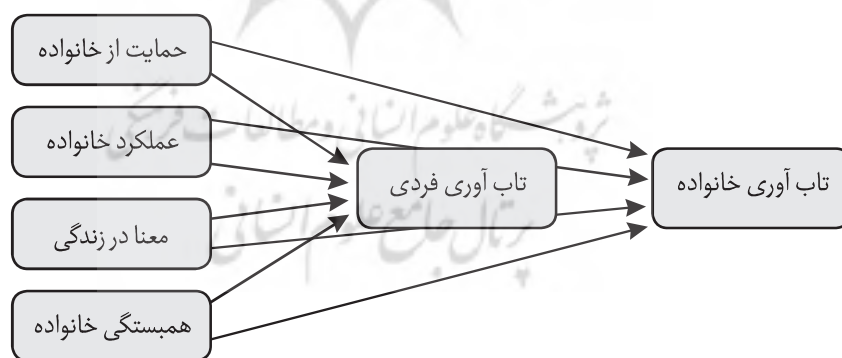
۲. چه رابطه‌ای بین عوامل فردی و تاب‌آوری خانواده وجود دارد؟

۳. چه رابطه‌ای بین عوامل خانوادگی و تاب‌آوری فردی وجود دارد؟

۴. چه رابطه‌ای بین معنا در زندگی و تاب‌آوری فردی وجود دارد؟

۵. آیا عوامل خانوادگی از مسیر تاب‌آوری فردی بر تاب‌آوری خانواده اثر دارد؟

با بررسی ادبیات پژوهش به نظر می‌رسد که بتوان مدلی برای تاب‌آوری ارائه کرد که در این مدل، خانواده علاوه بر اینکه بر تاب‌آوری اثر دارد، از تاب‌آوری تأثیر نیز می‌پذیرد؛ به این صورت که عوامل خانوادگی از مسیر تاب‌آوری فردی بر تاب‌آوری خانواده اثر می‌گذارد. از این رو، مسئله اصلی این پژوهش آزمون مدل فرضی روابط علی میان معنای زندگی، عوامل خانوادگی و تاب‌آوری فردی و تاب‌آوری خانواده است. در عوامل خانوادگی، متغیرهایی انتخاب شده‌اند که در ادبیات نظری (والش، ۱۹۹۶) و ادبیات پژوهشی (بنزیس و میکاژیک، ۲۰۰۹؛ عبادت‌پور و همکاران، ۱۳۹۲؛ صیدی سارویی و همکاران، ۱۳۹۲) ارتباط آن‌ها نشان داده شده است.



نمودار شماره ۱: مدل فرضی روابط بین عملکرد خانواده، حمایت خانواده، معنا در زندگی، هم‌بستگی خانواده،

تاب‌آوری فردی و تاب‌آوری خانواده

روش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، بنیادی و از حیث گردآوری داده‌ها، غیرآزمایشی و از نوع مطالعات هم‌بستگی و تحلیل ماتریس کواریانس بود. جهت بررسی رابطه هم‌زمانی بین متغیرها از ضریب هم‌بستگی پیرسون^۱، برای بررسی رابطه تابعی و پیش‌بین از رگرسیون چندگانه مجزا و تکنیک اطلاعات تفکیکی^۲ و جهت بررسی برازش مدل روابط علی میان متغیرها، از مدل‌یابی معادلات ساختاری^۳ (SEM) به شیوه تحلیل مسیر با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای SPSS23 و AMOS استفاده شد.

شرکت‌کنندگان

جامعه آماری این پژوهش، بیماران عضو انجمن ام اس شهر قم در سال ۱۳۹۶ می‌باشند. حجم جامعه آماری ۱۰۹۰ نفر بود که تعداد ۲۱۰ نفر (۶۳ مرد و ۱۴۷ زن) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. از آنجا که حجم نمونه مبنایی برای تحلیل مدل معادلات ساختاری است، بنا به پیشنهاد کلین^۴ (۱۹۹۸) که حداقل به ازاء هر پارامتر محاسبه شده، ۱۰ آزمودنی را ضروری می‌داند، در این پژوهش که ۲۱ پارامتر وجود دارد، تعداد حجم نمونه ۲۱۰ نفر تعیین شد. این مقدار حجم نمونه با نظر بوهی^۵ و همکاران (۲۰۰۷) که حداقل ۲۰۰ نفر را ضروری می‌دانند و هوکس^۶ و بچگر^۷ (۱۹۹۸) که این تعداد را مناسب دانسته‌اند، نیز هماهنگی دارد.

ابزار اندازه‌گیری

ابزار سنجش خانواده (FAD): ابزار سنجش خانواده^۸ یک پرسش‌نامه ۶۰ سؤالی بر مبنای الگوی مک‌مستر^۹ است که شامل شش بعد حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی،

1. pearson,c

2. partial imformation technique

3. structural equation model

4. Kline, R. B.

5. Buhi, E. R.

6. Hox, J. J.

7. Bechger, T. M.

8. family assessment device

9. McMaster Model

آمیختگی عاطفی و کنترل رفتار می‌باشد. نمرات بالاتر در این مقیاس به معنای عملکرد ضعیف‌تر خانواده است. ابزار سنجش خانواده دارای روایی هم‌زمان و پیش‌بین است. این ابزار در یک مطالعه مستقل روی ۱۷۸ زوج ۶۰ ساله، با مقیاس رضایت زناشویی لاک-والاس هم‌بستگی متوسط داشته و قدرت نسبتاً خوبی برای پیش‌بینی نمرات مقیاس روحیه سالمندی فیلدلفیا نشان داده است. به علاوه، این ابزار با قدرت متمایزسازی اعضای خانواده‌های بالینی و غیر بالینی، در هر هفت خرده‌مقیاس خود دارای روایی خوبی برای گروه‌های شناخته شده است. ضریب آلفای خرده‌مقیاس‌ها و کل مقیاس در پژوهش امینی (۱۳۷۹؛ به نقل از: ثنایی، ۱۳۸۷) به ترتیب ۰/۶۱، ۰/۳۸، ۰/۷۲، ۰/۶۴، ۰/۶۵، ۰/۶۱، ۰/۸۱ و ۰/۹۲ گزارش شده است. در مطالعه حاضر، آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۰ به دست آمد.

مقیاس ارزیابی انطباق‌پذیری و هم‌بستگی خانواده (FACES-III): مقیاس ارزیابی انطباق‌پذیری و هم‌بستگی خانواده^۱ یک پرسش‌نامه ۲۰ سؤالی است که توسط دیوید اچ. اولسون، جویسی پورتنر و یوآف لوی^۲ ساخته شده است و دو بعد هم‌بستگی و انطباق‌پذیری را ارزیابی می‌کند. این پرسش‌نامه از روایی صوری خوبی برخوردار است؛ اما اطلاعاتی درباره سایر انواع روایی آن در اختیار نیست. از سوی دیگر، چندین تحقیق نشان داده‌اند که این پرسش‌نامه برای گروه‌های شناخته شده، روایی خوبی برای متمایز کردن خانواده‌ها در چند مقوله از مشکلات دارد. ضریب آلفای خرده‌مقیاس‌ها و کل مقیاس به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۶۲ و ۰/۶۸ گزارش شده است (ثنایی، ۱۳۸۷). در مطالعه حاضر، آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۷ به دست آمد.

حمایت اجتماعی - مقیاس خانواده (PSS-Fa): ابزار حمایت اجتماعی - مقیاس خانواده^۳ یک پرسش‌نامه ۲۰ سؤالی برای سنجش میزان ارضای حمایت اجتماعی از ناحیه خانواده توسط مری پروسیدانو و کنیث هلر^۴ ساخته شده است. این پرسش‌نامه، روایی هم‌زمان خوبی دارد. نمرات مقیاس با درماندگی روانی و کارآمدی هم‌بستگی دارد و همچنین با حمایت محسوس و نامحسوس اعضای خانواده قابل پیش‌بینی بود. ضرایب هم‌بستگی بین نمرات حاصل از این

1. family adaptability and cohesion evaluation scale.

2. Olsen, H. David & Portner, Joyce & Lavee, Yoav.

3. perceived social support - family scale.

4. Procidano, E. Mary & Heller, Kenneth.

مقیاس با شخصیت سنج کالیفرنیا و وابستگی بین اشخاص معنادار بود. تفاوت آزمون‌هایی که در مقیاس‌های حمایت اجتماعی نمرات بالا یا پایین داشتند، در بی‌پرده‌گویی کلامی متفاوت بود؛ تفاوتی که روایی ابزار را برای گروه‌های شناخته شده تأیید می‌کرد. نمرات گروه‌های نمونه بالینی و غیر بالینی نیز متفاوت بود. ضریب آلفای این مقیاس در پژوهش کردلو (۱۳۸۰؛ به نقل از: ثنایی، ۱۳۸۷) برابر ۰/۷۲ گزارش شده است. در مطالعه حاضر، آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۷۸ به دست آمد.

مقیاس تاب‌آوری کانر- دیویدسون (CD-RISC): مقیاس تاب‌آوری کانر- دیویدسون^۱ یک پرسش‌نامه ۲۵ سؤالی برای سنجش میزان آمادگی و عکس‌العمل افراد به هنگام رویارویی با شرایط استرس‌زا است. اعتبار و روایی این مقیاس در ایران توسط محمدی و همکاران (۱۳۸۵؛ به نقل از: فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵) صورت گرفته است. بررسی روایی سازه با استفاده از روش تحلیل عاملی بر روی این مقیاس، بیانگر وجود یک عامل عمومی در مقیاس بود. مقدار ضریب KMO برای این تحلیل برابر ۰/۸۷ و مقدار آزمون کروییت بارتلت برابر ۱۸۹۳/۸۳ بود. مقدار ارزش ویژه برای این عامل عمومی برابر ۶/۶۴ بود که این عامل ۲۶/۶ از واریانس کل مقیاس را تبیین می‌کند. ضریب آلفای این مقیاس در پژوهش محمدی و همکاران برابر ۰/۸۹ گزارش شده است. در مطالعه حاضر، آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۳ به دست آمد.

پرسش‌نامه تاب‌آوری خانواده (FHI): پرسش‌نامه تاب‌آوری خانواده،^۲ یک پرسش‌نامه ۲۰ سؤالی برای سنجش میزان تاب‌آوری خانواده در مقابله با استرس می‌باشد که توسط مک‌کوبین و همکاران (۱۹۸۶) ساخته شده است. این مقیاس، چهار مؤلفه هم‌جهتی تعهد، اعتماد، چالش و کنترل دارد؛ با این وجود به نظر می‌رسد که نمره کل بهترین شاخص برای تاب‌آوری باشد. هم‌بستگی کم، اما معنادار شاخص تاب‌آوری خانواده با شاخص‌های انعطاف‌پذیری خانواده، زمان و عادات خانواده و مقیاس زندگی خانوادگی، بیانگر روایی هم‌زمان این آزمون است. ضریب آلفای این مقیاس ۰/۸۲ گزارش شده است (خندان‌دل و کاویان‌فر، ۱۳۹۴). در مطالعه حاضر، آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۱ به دست آمد.

پرسش‌نامه معنای زندگی (MLQ): پرسش‌نامه معنای زندگی^۳ یک پرسش‌نامه ۱۰ سؤالی

1. Conner – Davidson resilience scale
2. family hardiness inventory
3. meaning in life questionnaire

برای سنجش معنای زندگی می‌باشد که توسط استنگرو و همکاران^۱ (۲۰۰۶) ساخته شده است. این پرسش‌نامه دو زیرمقیاس وجود معنا و جستجوی معنا دارد. طبق گزارش این پژوهشگران، این پرسش‌نامه از روایی همگرا و واگرایی خوبی برخوردار است. ضریب آلفای خرده‌مقیاس‌ها و کل به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۴ و ۰/۸۶ گزارش شده است. در مطالعه حاضر، آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۵ به دست آمد.

شیوه اجرا

جهت اجرای این پژوهش، بعد از نامه‌نگاری و هماهنگی با مسئول انجمن بیماران ام اس شهر قم، به دو روش نمونه‌گیری انجام گرفت: ۱. از تمامی بیماران عضو انجمن به وسیله اطلاعیه و فراخوان دعوت به عمل آمد که برای شرکت در پژوهش در مکان انجمن حضور پیدا کنند؛ ۲. با حضور در جلسات ماهانه و کلاس‌های حضوری در انجمن، توضیحاتی درباره ضرورت و اهمیت پژوهش و ایجاد انگیزه در آن‌ها ارائه شد. بسته‌های حاوی پرسش‌نامه‌ها بین کسانی که با رضایت در انجمن حضور پیدا کردند، توزیع گردید و از آنان خواسته شد به تمامی سؤالات با دقت پاسخ دهند. با وجود تأکید به شرکت‌کنندگان مبنی بر پاسخ‌گویی به همه سؤالات، ۲۳ پرسش‌نامه ناقص از پژوهش خارج شد و در نهایت، ۲۱۰ پرسش‌نامه کامل جمع‌آوری شده و در تجزیه و تحلیل داده‌ها وارد شدند.

یافته‌ها

پیش از تجزیه و تحلیل، به غربالگری داده‌ها و بررسی مفروضه‌های مدل‌یابی معادلات ساختاری پرداخته شد. ابتدا به پالایش کد و اندازه‌های هر یک از متغیرها اقدام شد و در پنج مورد که داده‌های غیر منطقی و خارج از محدوده کدگذاری وجود داشت، اصلاح صورت گرفت. از آنجا که میزان داده‌های از دست رفته، بیش از ۱۵ درصد نبود (میرز و همکاران، ۱۳۹۱)، متغیرها حذف نشدند و به منظور برآورد اندازه‌های از دست رفته از روش بیشینه‌سازی انتظار^۲ (EM) استفاده شد. به منظور ردیابی و برخورد مناسب با داده‌های پرت تک‌متغیری از نمودار جعبه‌ای و داده‌های پرت چندمتغیری

1. Stenger, M. F., Frazier, P., Oishi, S. & Kaler, M.

2. expectation maximization

از آماره مهالانوبیس بهره برده شد. در بررسی مفروضه‌های مدل‌یابی معادلات ساختاری و تحلیل مسیر، عدم معناداری نتایج آزمون کالموگروف-اسمیرنف در سطح ($p < 0.05$) نشان‌دهنده نرمال بودن و عدم معناداری آزمون ام. باکس نشان‌دهنده همگنی ماتریس‌های واریانس-کوواریانس بود. در این ادامه، اطلاعات توصیفی مرتبط با متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۱ آمده است.

متغیر	تاب‌آوری خانواده	تاب‌آوری فردی	عملکرد خانواده	حمایت خانواده	هم‌بستگی خانواده	وجود معنا در زندگی
میانگین	۳۴/۶۴۵	۶۳/۸۶۳	۱۳۷/۳۲۲	۲۱/۱۲۹	۶۶/۴۲۱	۵۳/۰۵۶
انحراف استاندارد	۹/۲۳۵	۱۷/۲۱۵	۱۵/۲۱۱	۵/۵۷۸	۱۲/۴۸۴	۹/۹۷۹
کمینه	۱۲	۱۲	۶۹	۰	۲۸	۱۴
بیشینه	۶۰	۱۰۰	۱۹۲	۳۹	۹۵	۷۰

جدول شماره ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

به منظور بررسی رابطه هم‌زمانی میان متغیرهای پژوهش از ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۲ آمده است.

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
عملکرد خانواده	۱					
حمایت خانواده	۰/۱۶۶*	۱				
هم‌بستگی خانواده	-۰/۳۰۶**	-۰/۰۶۶	۱			
وجود معنا در زندگی	-۰/۳۸۱**	-۰/۰۴۱	۰/۱۶۴*	۱		
تاب‌آوری فردی	-۰/۲۸۰**	۰/۰۱۸	۰/۳۶۸**	۰/۵۱۱**	۱	
تاب‌آوری خانواده	-۰/۴۳۹**	-۰/۱۴۱*	۰/۳۵۵**	۰/۲۱۹**	۰/۱۷۱*	۱

جدول شماره ۲: ضرایب هم‌بستگی میان متغیرهای پژوهش

* $P < 0.05$

** $P < 0.01$

نتایج جدول شماره ۲، نشان می‌دهد که متغیرهای هم‌بستگی خانواده، معنا در زندگی و تاب‌آوری فردی با تاب‌آوری خانواده رابطه مثبت معنادار و متغیرهای حمایت خانواده و عملکرد خانواده با تاب‌آوری خانواده، رابطه منفی معنادار دارند. متغیرهای هم‌بستگی خانواده و معنا در

زندگی با تاب‌آوری فردی رابطه مثبت معنادار و متغیر عملکرد خانواده با تاب‌آوری فردی، رابطه منفی معنادار دارد. معنا در زندگی با عملکرد خانواده، رابطه منفی معنادار و با هم‌بستگی خانواده، رابطه مثبت معنادار دارد. عملکرد خانواده با حمایت خانواده، رابطه مثبت معنادار و با هم‌بستگی خانواده، رابطه منفی معنادار دارد.

در گام اول، به منظور تحلیل مسیر از تحلیل‌های رگرسیون چندگانه و روش حداقل مجزورات برای محاسبه ضرایب مسیر استفاده شد. به دلیل آنکه در این مدل فرضی دو متغیر درون زاد وجود دارد، چند رگرسیون چندگانه مجزا و تکنیک اطلاعات تفکیکی به کار رفت. در جدول شماره ۳، نتایج رگرسیون تاب‌آوری خانواده روی هم‌بستگی خانواده، عملکرد خانواده، حمایت خانواده، تاب‌آوری فردی و معنا در زندگی ارائه شده است. مقدار واریانس تبیین شده و مقدار F در این تحلیل عبارت است:

$$F(210,5) = 13/962, > p .001, R^2 = 0/255$$

این یافته به آن معناست که این عوامل فردی و خانوادگی می‌تواند ۲۵/۵٪ واریانس تاب‌آوری خانواده را تبیین نموده و پیش‌بینی‌کننده معناداری برای آن باشد. به منظور بررسی سهم اثر هر یک، به ضرایب آن‌ها توجه می‌نماییم (جدول شماره ۳).

متغیرها	B	Beta	t	Sig	F	Sig	R	R ²
هم‌بستگی خانواده	۰/۱۸۹	۰/۲۵۵	۳/۷۹۹	۰/۰۰۱	۱۳/۹۶۲	۰/۰۰۱	۰/۵۰۵	۰/۲۵۵
عملکرد خانواده	-۰/۱۶۶	-۰/۳۳۸	-۴/۹۱۹	۰/۰۰۱				
حمایت خانواده	-۰/۱۰۷	-۰/۰۶۴	-۱/۰۴۸	۰/۲۹۶				
تاب‌آوری فردی	۰/۰۲۹	۰/۰۵۴	۰/۷۲۵	۰/۴۶۹				
معنا در زندگی	۰/۰۶۸	۰/۰۷۳	۰/۹۹۴	۰/۳۲۲				

جدول شماره ۳: رگرسیون تاب‌آوری خانواده روی هم‌بستگی خانواده، عملکرد خانواده، حمایت خانواده، تاب‌آوری فردی و معنا در زندگی

با بررسی نتیجه آزمون t برای هر یک از وزن‌های رگرسیون و سطوح معناداری، سهم بیگانه هریک از متغیرها در پیش‌بینی تاب‌آوری خانواده آشکار می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که فقط متغیر هم‌بستگی و انطباق خانواده و عملکرد خانواده، اثر مستقیم و سهم بیگانه در پیش‌بینی تاب‌آوری

خانواده دارد و هیچ یک از متغیرهای حمایت، تاب‌آوری فردی و معنا در زندگی سهم معنادار و یگانه‌ای در پیش‌بینی تاب‌آوری خانواده ایفا نمی‌کند. برای معادله رگرسیون دوم، رگرسیون تاب‌آوری فردی روی عملکرد خانواده، حمایت خانواده، هم‌بستگی خانواده و معنا در زندگی بررسی شد (جدول شماره ۴). مقدار واریانس تبیین شده و مقدار F در این تحلیل عبارت است:

$$F(210,4) = 27/412, >p 0/001, R^2 = 0/348$$

این یافته بیانگر آن است که این عوامل فردی و خانوادگی می‌تواند ۳۴/۸٪ واریانس تاب‌آوری فردی را تبیین نموده و پیش‌بینی‌کننده معناداری برای آن باشد. به منظور بررسی سهم اثر هر یک، به ضرایب آن‌ها توجه می‌نماییم (جدول شماره ۴).

متغیرها	B	Beta	t	Sig	F	Sig	R	R ²
عملکرد خانواده	-۰/۰۲۵	-۰/۰۲۸	-۰/۴۳۳	۰/۶۶۵	۲۷/۴۱۲	۰/۰۰۱	۰/۵۹۰	۰/۳۴۸
حمایت خانواده	۰/۱۸۵	۰/۰۶۰	۱/۰۴۸	۰/۲۹۶				
هم‌بستگی خانواده	۰/۳۹۹	۰/۲۸۹	۴/۸۷۲	۰/۰۰۱				
معنا در زندگی	۰/۷۸۶	۰/۴۵۶	۷/۴۶۲	۰/۰۰۱				

جدول شماره ۴: رگرسیون تاب‌آوری فردی روی عملکرد خانواده، حمایت خانواده،

هم‌بستگی خانواده و معنا در زندگی

نتایج جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که متغیرهای حمایت و عملکرد خانواده، سهم معنادار و یگانه‌ای در پیش‌بینی تاب‌آوری فردی ایفا نمی‌کند. متغیر معنا در زندگی با بزرگ‌ترین ضریب بتا و مثبت، بیشترین سهم یگانه در پیش‌بینی تاب‌آوری فردی دارد و متغیر هم‌بستگی خانواده نیز اثر مستقیم در پیش‌بینی تاب‌آوری فردی دارد. معنای آن این است که اگر متغیرهای دیگر را کنترل کنیم، با افزایش یک انحراف استاندارد به متغیرهای معنا در زندگی و هم‌بستگی خانواده، به ترتیب تاب‌آوری فردی ۰/۴۵۶ و ۰/۲۸۹ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. در جدول شماره ۵، نتایج رگرسیون تاب‌آوری خانواده روی تاب‌آوری فردی ارائه شده است. مقدار واریانس تبیین شده و مقدار F در این تحلیل عبارت است:

$$F(210,1) = 6/248, >p 0/013, R^2 = 0/029$$

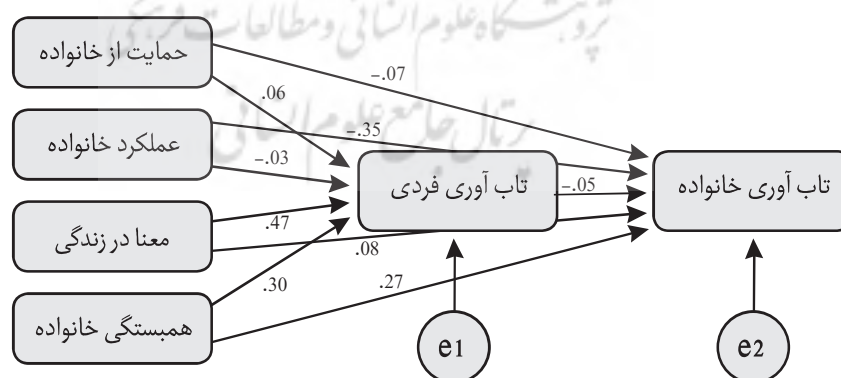
این به آن معناست که واریانس تبیین شده در این معادله (۲/۹٪) بیشتر از صفر و تصادفی بودن آن بسیار نامحتمل است.

متغیرها	B	Beta	t	Sig	F	Sig	R	R ²
تاب آوری فردی	۰/۰۹۲	۰/۱۷۱	۲/۵۰۰	۰/۰۰۱	۶/۲۴۸	۰/۰۱۳	۰/۱۷۱	۰/۰۲۹

جدول شماره ۵: رگرسیون تاب آوری خانواده روی تاب آوری فردی

نتایج جدول شماره ۵ بیانگر آن است که متغیر تاب آوری فردی سهم معنادار و یگانه‌ای در پیش‌بینی تاب آوری خانواده ایفا می‌کند؛ ولیکن میزان واریانس تبیین شده بسیار اندک است و همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده شد، وقتی این متغیر در کنار متغیرهای خانوادگی در معادله رگرسیون قرار می‌گیرد، ضریب معنادار نخواهد داشت. به این معنا که تاب آوری فردی نسبت به عوامل خانوادگی نقش کمتری در تاب آوری خانواده خواهد داشت و احتمالاً به‌طور غیر مستقیم و با واسطه متغیر دیگری بر تاب آوری خانواده اثرگذار باشد. هم‌بستگی بین متغیرهای برون‌زاد با استفاده از هم‌بستگی پیرسون محاسبه شده که نتایج آن در جدول شماره ۲ گزارش شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که عملکرد خانواده با حمایت رابطه مثبت معنادار و با هم‌بستگی خانواده و معنا در زندگی رابطه منفی معنادار دارد. همچنین معنا در زندگی رابطه مثبت معنادار با هم‌بستگی خانواده دارد.

به منظور بررسی برازش مدل فرضی، از روش بیشینه درست‌نمایی برای محاسبه ضرایب نیز استفاده شد (نمودار شماره ۲). همان‌طور که در نمودار شماره ۲ مشاهده می‌شود، نتایج دو روش حداقل مجذورات (تحلیل رگرسیون چند گانه) و بیشینه درست‌نمایی (برازاندن مدل) یکسان بوده است.



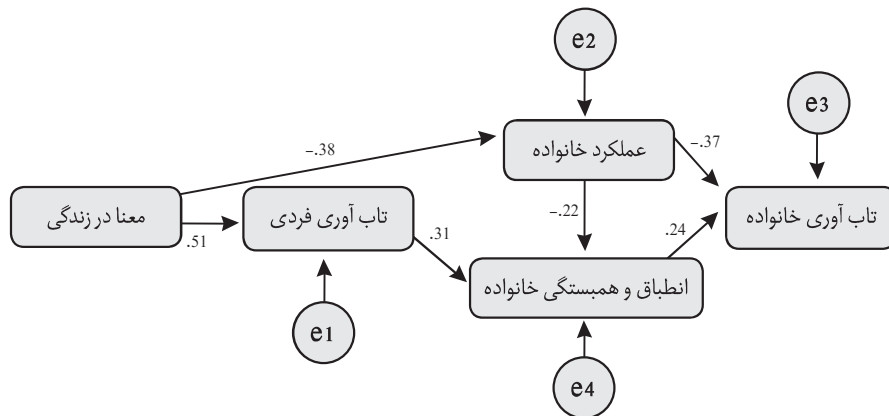
نمودار شماره ۲: نتایج برنامه برازاندن مدل برای مدل فرضی

یافته‌ها بیانگر آن است که فقط دو متغیر عملکرد خانواده و هم‌بستگی خانواده که از عوامل خانوادگی است، اثر مستقیم روی تاب‌آوری خانواده دارد و تاب‌آوری فردی و معنا در زندگی که از عوامل فردی است، تأثیر مستقیم روی تاب‌آوری خانواده ندارد. شاید این یافته به آن معنا باشد که این دو عامل فردی فقط می‌تواند عوامل زمینه‌ساز برای تاب‌آوری خانواده باشد. متغیر حمایت خانوادگی با هیچ یک از متغیرهای تاب‌آوری فردی و تاب‌آوری خانواده ضریب معنادار ندارد. به منظور بررسی برازش مدل فرضی، شاخص‌های برازش مدل مورد بررسی قرار گرفت (جدول شماره ۶).

شاخص‌های برازش مدل	RMSEA	GFI	CFI	NFI	Sig	CMIN
	۰/۲۰۸	۰/۹۰۹	۰/۷۲۴	۰/۷۱۵	۰/۰۰۱	۶۰/۱۰۹

جدول شماره ۶: شاخص‌های برازش مدل فرضی

همان‌طور که در جدول شماره ۶ مشاهده می‌شود، شاخص‌های برازش این مدل از مطلوبیت لازم برخوردار نیستند. از آنجا که به طور معمول تفاوت بین روابط مشاهده شده و پیش‌بینی شده اندک و یک برازش نزدیک مورد انتظار است و مجذور کای غیرمعنادار مطلوب می‌باشد، شاخص CMIN که معنادار است، مورد قبول نیست. شاخص‌های CFI و NFI نیز کمتر از ۰/۹۵ و غیر قابل قبول است. شاخص RMSEA که بیشتر از ۰/۱ است، نیز نشانگر برازش ضعیف این مدل می‌باشد. از آنجا که شاخص‌های برازش مدل رضایت‌بخش نبود، به اصلاح مدل بر اساس یافته‌های تحلیل روابط این متغیرها اقدام شد. به این ترتیب، تغییراتی که در مدل اصلاح شده اتفاق افتاد، به شرح ذیل است: متغیر حمایت خانواده که با هیچ یک از متغیرهای درون‌زاد ضریب معنادار نداشت، از مدل حذف شد. یافته‌ها و ضرایب به دست آمده از تحلیل روابط عوامل خانوادگی و عوامل فردی با تاب‌آوری خانواده نشان می‌دهد که دو متغیر عملکرد خانواده و هم‌بستگی خانواده که از عوامل خانوادگی است، تأثیر مستقیم روی تاب‌آوری خانواده دارد و تاب‌آوری فردی و معنا در زندگی که از عوامل فردی است، اثر مستقیم روی تاب‌آوری خانواده ندارد. از این رو، عوامل خانوادگی به عنوان متغیرهای میانجی و در ارتباط مستقیم با تاب‌آوری قرار گرفت. از آنجا که در تحلیل‌ها نشان داده شد، متغیر معنا در زندگی پیش‌بینی‌کننده تاب‌آوری فردی بوده و ضریب معنادار دارد، لذا معنا در زندگی به عنوان متغیر برون‌زاد در نظر گرفته شد. بعد از ترسیم روابط بین این پنج متغیر و تحلیل رابطه میان آن‌ها مشخص شد که این مدل از شاخص‌های برازش مطلوب برخوردار است (نمودار شماره ۳).



نمودار شماره ۳: مدل اصلاح شده از روابط بین معنا در زندگی، تاب آوری فردی، عملکرد خانواده، همبستگی خانواده و تاب آوری خانواده

همان طور که در نمودار شماره ۳ مشاهده می شود، معنا در زندگی و تاب آوری فردی تأثیر مستقیم و سهم معنادار و یگانه ای در تاب آوری خانواده ندارد؛ بلکه از مسیر عملکرد خانواده و همبستگی خانواده بر تاب آوری خانواده اثر خواهند داشت. عملکرد خانواده هم تأثیر مستقیم و هم غیر مستقیم و از مسیر همبستگی خانواده بر تاب آوری خانواده دارد. متغیر دیگری که اثر مستقیم بر تاب آوری خانواده دارد، همبستگی خانواده است. همان طور که در جدول شماره ۷ مشاهده می شود، این مدل از شاخص های برازش مطلوب برخوردار است.

شاخص های برازش مدل	RMSEA	GFI	CFI	NFI	Sig	CMIN
	۰/۰۴۷	۰/۹۸۹	۰/۹۹۱	۰/۹۷۱	۰/۲۱۴	۵/۸۱۰

جدول شماره ۷. شاخص های برازش مدل اصلاح شده

یافته ها نشانگر آن است که داشتن معنا در زندگی نقش زیربنایی داشته و اثر مستقیم و معنادار روی تاب آوری فردی و عملکرد خانواده دارد و از این طریق، روی تاب آوری خانواده تأثیر می گذارد. تاب آوری فردی پیش بینی کننده معناداری برای همبستگی خانواده بوده و از این مسیر بر تاب آوری خانواده اثر می گذارد. شاید این یافته ها به این معنا باشد که عوامل معنا در زندگی و تاب آوری فردی نقش زیربنایی دارد و به عبارتی، شرط لازم برای تاب آوری خانواده است؛ ولی شرط کافی نبوده و زمانی می تواند پیش بینی کننده معنادار برای تاب آوری خانواده باشد که در کنار مؤلفه ها و عوامل خانوادگی قرار گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، مدل‌یابی تاب‌آوری خانواده و بررسی روابط علی میان عوامل خانوادگی و عوامل فردی، از جمله تاب‌آوری فردی با تاب‌آوری خانواده بود. نتایج مرحله اول تحلیل داده‌های پژوهش نشان داد که برخی از عوامل خانوادگی، مانند حمایت خانواده هیچ‌گونه مسیری نه به طور مستقیم و نه از مسیر تاب‌آوری فردی به تاب‌آوری خانواده نداشت. در حالی که برخی از عوامل خانوادگی، مانند عملکرد خانواده و هم‌بستگی خانواده اثر مستقیم روی تاب‌آوری خانواده داشت. در این پژوهش، عوامل فردی، یعنی تاب‌آوری فردی و معنا در زندگی به طور مستقیم روی تاب‌آوری خانواده تأثیری نداشت. بنابراین، نتایج این بررسی نشان‌دهنده عدم برازش مناسب مدل فرضی بود. شاید علت عدم ارتباط مستقیم تاب‌آوری فردی با تاب‌آوری خانواده، ویژگی خاص نمونه پژوهش با وجود مشکلات خاص باشد که این امر ضرورت تکرار پژوهش در نمونه‌های دیگر را می‌طلبد. همچنین می‌توان عدم برازش را به این گونه نیز تبیین کرد که اگر چه افراد در خانواده، اجزاء و عناصر تشکیل‌دهنده سیستم خانواده هستند؛ ولیکن ویژگی‌های رابطه مهم‌تر و تأثیرگذارتر از ویژگی‌های فردی برای تاب‌آوری رابطه است. ویژگی‌های افراد روی سبک ارتباطی آن‌ها اثر می‌گذارد و از مسیر تقویت رابطه می‌توانند نقش تعیین‌کننده در تاب‌آوری رابطه داشته باشند. از این رو، عوامل فردی را می‌توان به صورت عوامل زمینه‌ساز برای برقراری رابطه سالم و کارآمد در نظر گرفت. برای مثال، عامل معنا در زندگی به تنهایی نمی‌تواند تعیین‌کننده تاب‌آوری رابطه باشد؛ بلکه اگر اعضای خانواده به فهم مشترک و معنای هماهنگی از زندگی برسند، تاب‌آوری رابطه بین آن‌ها افزایش خواهد یافت. این امر موجب شد تا ما در اصلاح مدل، عوامل خانوادگی را در جایگاه میانجی و دارای تأثیر مستقیم، و عوامل فردی را دارای اثر غیرمستقیم و از مسیر عوامل خانوادگی بر روی تاب‌آوری خانواده ببینیم. از این رو، متغیر معنا در زندگی در این مدل اصلاح شده، از مسیر تاب‌آوری فردی و هم‌بستگی خانواده و نیز از مسیر عملکرد خانواده روی تاب‌آوری خانواده اثرگذار بوده و دارای ضریب معنادار شد. این یافته نشان می‌دهد که اگر چه وجود معنا در زندگی تأثیر مستقیم روی تاب‌آوری خانواده ندارد، اما با واسطه و از دو مسیر روی آن اثر دارد و نیز نشان‌دهنده اهمیت و نقش زیربنایی معنا در زندگی است که همسو با ادبیات نظری و پژوهشی است. در ادبیات نظری می‌توان به نظریه والش در حوزه تاب‌آوری خانواده اشاره کرد. والش (۲۰۱۶) معتقد است که معنویت همواره با معنا و معنایابی توأم بوده و یکی از جنبه‌های بارز معنویت

خانواده، باورها و ارزش‌های همراه با آن است. به نظر والش، وجود معنا و هدف در زندگی، پیوندی با فراسوی خود، خانواده و مشکلات به انسان می‌دهد. نیاز به یافتن معنا در زندگی، معمولاً از مسیر اعتقادات معنوی و میراث فرهنگی تأمین می‌شود. باورهای متعالی در زندگی شفافیت ایجاد می‌کنند و هنگام سختی به انسان آرامش می‌بخشند. آن‌ها تهدید وقایع غیرمنتظره را کمتر می‌کنند و پذیرش موقعیت‌های تغییرناپذیر را در ذهن امکان‌پذیر می‌سازند. از دیدگاه والش، نظام باورهای خانواده انسجام‌بخش است و به سازماندهی تجربه‌هایی می‌پردازد که اعضای خانواده را برای فهم موقعیت‌های بحرانی توانمند می‌کند.

ادبیات پژوهش نیز نشان‌دهنده تأثیر معنادار معنویت بر روابط خانوادگی است. پژوهش صیدی و همکاران (۱۳۹۰)، ویلیامز و لاولر^۱ (۲۰۰۳)، لمبرت و دولهایت^۲ (۲۰۰۶)، فینچام^۳ و همکاران (۲۰۰۸) و پین^۴ (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که معنویت بر کیفیت ارتباط تأثیر می‌گذارد. دیوید ریس (۱۹۸۱) به نقل از: والش، (۲۰۱۶) تأکید دارد که اگر خانواده‌ها درباره نظام هستی و جایگاه خود در آن به باورهای مشترک برسند، این باورها در فهم و برخورد با چالش‌های زندگی، نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت. این مطلب می‌تواند تبیینی برای یافته پژوهش حاضر باشد که وجود معنا در زندگی، به تنهایی سهم یگانه و اثر مستقیم روی تاب‌آوری خانواده ندارد؛ بلکه زمانی تقویت‌کننده است که اعضای خانواده باورهای مشترک و همسو داشته باشند و موجب هم‌بستگی و انسجام خانواده شود که در این صورت، پیش‌بینی‌کننده تاب‌آوری خانواده خواهد بود. اینکه خانواده‌ها چه برداشتی از یک موقعیت بحرانی دارند و چه معنایی از آن می‌گیرند، یکی از اصول بسیار مهم در تاب‌آوری است (آنتونوسکی^۵، ۱۹۹۸؛ به نقل از: والش، ۲۰۱۶).

یکی دیگر از عوامل فردی، تاب‌آوری فردی است که در این مدل اصلاح شده، از مسیر هم‌بستگی خانواده روی تاب‌آوری خانواده اثر می‌گذارد. این یافته نشان می‌دهد که اگر چه تاب‌آوری فردی تأثیر مستقیم روی تاب‌آوری خانواده ندارد اما با واسطه روی آن اثر دارد و نیز بیانگر اهمیت

1. Williams, L. M. & Lawler, M. G.
2. Lambert, N. M. & Dollahite, D. C.
3. Fincham, F. D.
4. Payne, P. B.
5. Antonovsky, A.

تاب‌آوری فردی است، که با یافته عبادت‌پور و همکاران (۱۳۹۲) همسو می‌باشد. این پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که متغیرهای تاب‌آوری فردی و باورهای معنوی با واسطه کارکرد خانواده، دل‌زدگی زناشویی را کاهش می‌دهد؛ اما تاب‌آوری فردی از مسیر کارکرد خانواده در کاهش دل‌زدگی زناشویی تأثیر بیشتری دارد. حال با توجه به یافته‌های این پژوهش مشخص می‌شود که باورها نقش زیربنایی و تعیین‌کننده در تاب‌آوری فردی دارد و تاب‌آوری فردی از مسیر هم‌بستگی خانواده روی تاب‌آوری رابطه اثر می‌گذارد. پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهند که ویژگی‌های تاب‌آوری فردی نقش مهمی در رضایت زناشویی، روابط زوجین و کاهش استرس‌های زناشویی دارد (هابر^۱ و همکاران، ۲۰۱۰؛ نف و برادی، ۲۰۱۱؛ لاتایلدی، ۲۰۱۶؛ به نقل از: عبادت‌پور و همکاران، ۱۳۹۲).

افراد با تاب‌آوری بالا و قدرت مقابله در برابر مشکلات، نیاز به منبع بیرونی برای رفع مشکلات ندارند و این توانمندی را در خود جستجو می‌کنند. همان گونه که کانر (۲۰۰۶) تاب‌آوری را به عنوان روشی برای اندازه‌گیری توانایی فرد در مقابله با عوامل استرس‌زا تعریف کرده است. تاب‌آوری باعث می‌شود افراد در شرایط دشوار و با وجود عوامل خطر، از ظرفیت‌های موجود خود در دستیابی به موفقیت و رشد در زندگی استفاده کنند و از این چالش‌ها به عنوان فرصتی برای توانمند کردن خود بهره‌برداری کنند. افراد تاب‌آور پس از رویارویی با موقعیت‌های دشوار زندگی، دوباره به سطح معمولی عملکرد باز می‌گردند. بنابراین، اگر افراد در یک خانواده تاب‌آور باشند، قدرت انطباق با مشکلات و مسائل خانواده افزایش یافته و هم‌بستگی خانوادگی بیشتر می‌شود که در این صورت، تاب‌آوری رابطه افزایش می‌یابد. بنابراین، معنا در زندگی به افراد کمک می‌کند تا بتوانند در برابر مشکلات زندگی تاب‌آوری بیشتری داشته باشند و به هنگام بروز مشکلات و تعارض‌ها در روابط، از طریق مفاهیم و ارزش‌های معنوی مشترک، اختلاف نظر بین اعضای خانواده را تعدیل کنند و بروز واکنش‌های آسیب‌زا را مدیریت نمایند.

یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش حاکی از اثر مستقیم عملکرد خانواده و همبستگی و انطباق خانواده روی تاب‌آوری خانواده می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که خانواده‌ها با اشکال و شبکه‌های ارتباطی گوناگون باید ساختاری داشته باشند تا از یکپارچگی و سازگاری واحد خانواده

1. Huber, C. H.

2. Neff, L. A. & Bradly, E. F.

3. Lataillade, J. J.

و اعضای آن حمایت کنند. اگر خانواده بتواند منابع درونی و بیرونی را بسیج نموده و با حفظ یکپارچگی خود با فشارهای روانی مقابله کند، می‌توان از تاب‌آوری خانواده سخن به میان آورد. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت برای دستیابی به تاب‌آوری خانواده، باید خانواده‌ها دارای عملکرد مناسب بوده و نیز هم‌بستگی و انطباق با مشکلات در هنگام رویارویی با دشواری‌ها را داشته باشند. الگوی حلقوی پیچیده عملکرد خانواده بر وجود سه بعد محوری در عملکرد خانواده، یعنی هم‌بستگی، انطباق‌پذیری (قدرت تغییر کردن) و ارتباط تأکید دارد. خانواده‌ها باید بتوانند با خواسته‌های متغیر محیطی و رشدی قابل پیش‌بینی و غیر قابل پیش‌بینی سازگار شوند. یک تعادل پویا بین ثبات و تغییر، ضمن اینکه تغییر در پاسخ‌دهی به چالش‌های زندگی را امکان‌پذیر می‌کند، ساختار ثابت خانواده را نیز توانمند می‌سازد (اولسون و گورل، ۲۰۰۳). شش بعد عملکرد خانواده، یعنی حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار، نشان‌دهنده ابعاد یک خانواده با عملکرد سالم در رویارویی با چالش‌های پیش‌روی خانواده است. طبیعی است که خانواده با تقویت این ابعاد شش‌گانه می‌تواند در برابر تغییرات زندگی انطباق و سازگاری داشته باشد و از این رهگذر به یک رابطه تاب‌آور دست یابد.

پژوهش بنزیس و میکاژیک (۲۰۰۹) و مدل والش (۲۰۱۶) به عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی دیگری برای تاب‌آوری خانواده اشاره می‌کند که در این پژوهش آورده نشده است. از این رو، پژوهش‌های بعدی که به بررسی این عوامل بپردازد، ضرورت داشته و می‌تواند زمینه برای دستیابی به یک مدل جامع از مفهوم تاب‌آوری خانواده را فراهم سازد.

قدردانی و سپاسگزاری: از مرکز تحقیقات زن و خانواده به جهت حمایت مادی و معنوی از این پژوهش و نیز از مسئولین انجمن ام اس شهر قم و شرکت‌کنندگان به دلیل همکاری صمیمانه در اجرای پژوهش تشکر و قدردانی می‌نمایم.

فهرست منابع

۱. البرزی، محبوبه؛ فریبا، خوشبخت؛ حمیدرضا، گلزار؛ مصطفی، صبری (۱۳۹۳)، «رابطه بین سبک‌های دل بستگی و تاب‌آوری: نقش واسطه‌ای هوش هیجانی»، *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، سال یازدهم، ش ۴۴، ص ۴۲۵-۴۳۶.
۲. ثنائی، باقر (۱۳۸۷)، *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*، تهران: بعثت.
۳. شیخ‌الاسلامی، راضیه و سمیه، حسن‌نیا (۱۳۹۴)، «نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه علی ابعاد فراهیجانی والدین و تاب‌آوری فرزندان»، *روان‌شناسی خانواده*، دوره ۲، ش ۱، ص ۷۱-۸۲.
۴. صبری، مصطفی؛ محبوبه، فولادچنگ؛ مریم، محمدی‌دهاقانی و حمیدرضا، گلزار (۱۳۹۳)، «رابطه بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و تاب‌آوری در دانش‌آموزان: نقش میانجی‌گری هوش هیجانی»، *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، سال پنجم، ش ۱۸، ص ۱۰۹-۱۲۸.
۵. صیدی، محمدسجاد؛ تقی، پورابراهیم؛ فاطمه، باقریان و لادن، منصور (۱۳۹۰)، «رابطه بین معنویت خانواده با تاب‌آوری آن، با واسطه‌گری کیفیت ارتباط در خانواده»، *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، سال دوم، ش ۵، ص ۶۳-۷۹.
۶. صیدی سارویی، محمد؛ صدف، فرزند؛ مرضیه، امینی؛ سیده مریم، حسینی (۱۳۹۲)، «رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و ویژگی‌های شخصیتی با بهزیستی روان‌شناختی با واسطه‌گری تاب‌آوری در بیماران ام. اس»، *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، سال سوم، ش ۱۱، ص ۱۷-۳۸.
۷. عبادت‌پور، بهناز؛ شکوه، نوایی‌نژاد؛ عبدالله، شفیع‌آبادی و محمدرضا، فلسفی‌نژاد (۱۳۹۲)، «نقش واسطه‌ای کارکردهای خانواده برای تاب‌آوری فردی و باورهای معنوی و دل‌زدگی زناشویی»، *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، سال سوم، ش ۱۳، ص ۲۹-۴۵.
۸. فتحی‌آشتیانی، علی (۱۳۹۵)، *آزمون‌های روان‌شناختی*، تهران: بعثت.
۹. مشایخ، مریم؛ احمد، برجعلی؛ علی، دلاور و عبدالله، شفیع‌آبادی (۱۳۹۰)، «مدل‌یابی تاب‌آوری خانواده جانباز بر اساس متغیرهای شناختی-هیجانی»، *روان‌شناسی نظامی*، سال دوم، ش ۸، ص ۱-۲۳.
۱۰. مشیریان فراحی، سیدمحمد مهدی و محمدجواد، اصغری‌ابراهیم‌آباد؛ سیده مریم، مشیریان فراحی؛ شمیم، رزاقی‌کاشانی و حامد، توکلی (۱۳۹۵)، «ارتباط نگرش مذهبی با میزان رضایت زناشویی، سلامت روان‌شناختی و تاب‌آوری در کارمندان زندان»، *پژوهش دردین و سلامت*، دوره ۲، ش ۲، ص ۲۴-۳۳.
11. Barnhill, L. R. (1979), "Healthy family systems", *Family Coordinator*, 28(1), pp. 94-100.
12. Becvar, S. Dorothy (2013), *Handbook of Family Resilience*, Springer New York Heidelberg Dordrecht London.
13. Benzies, K. & Mychasiuk, R. (2009), "Fostering family resiliency: a review of the key protective factors", *Child and Family Social Work*, 14, pp. 103-114.
14. Boss, P (2001), *Family Stress management: a contextual approach*, New York: The Gilord Press.
15. Buhi, E. r., Good son, P. & Neilands, T.B (2007), "structural equation modeling: A primer for health

- behavior researchers", *American Journal of Health Behavior*, 31 (1), pp. 74-85.
16. Caplan, G. (1982), "The family as a support system. In H. I. McCubbin, A. E. Cauble, & J. M. Patterson (Eds.), *Family stress, coping, and social support* (pp. 200-220), Springfield, IL: Charles C Thomas.
 17. Connor, K. M. (2006), "Assessment of resilience in the after math of trauma", *The journal of clinical psychiatry*, 67(2), pp. 46-49.
 18. Epstein, N. B., & Bishop, D. S. (1981), "Problem-centered systems therapy of the family", In A. S. Gurman & D. P. Kniskern (Eds.), *Handbook of family therapy* (pp. 444-482). New York City, NY: Brunner/Mazel.
 19. Fincham, F. D., Beach, S. R. H., Lambert, N. M., Stillman, T., & Braithwaite, S. R. (2008), "Spiritual behaviors and relationship satisfaction: A critical analysis of the role of prayer", *Journal of Social and Clinical Psychology*, 27, pp. 362-388.
 20. Frankel, H., Snowden, L. R., & Nelson, L. S. (1992), "Wives' adjustment to military deployment: An empirical evaluation of a family stress model", *International Journal of Sociology of the Family*, 22, pp. 93-117.
 21. Giansi, G; Cusinato, M; Colesso, N (2010), *Pathway to resilience II: The social ecology of resilience*, Dalhousie university, Halifax, Nova scotia, Canada.
 22. Hanson, S. M. H. (1986), "Healthy single parent families", *Family Relations*, 35(1), pp. 125-132.
 23. Hawley, D. R., & De Haan, L. (1996), "Toward a definition of family resilience: Integrating life-span and family perspectives", *Family Process*, 35(3), pp. 283-298.
 24. Hox, J. J., & Bechger, T. M. (1998), "An introduction to structural equation modeling", *Family Science Review*, 11, pp. 354-373.
 25. Huang, I. C. (1991), *Family stress and coping*, In S. J. Bahr (Ed.), *Family research: A sixty-year review, 1930-1990* (Vol. 1, pp. 289-334), New York City, NY: Lexington.
 26. Huber, C. H., Navarro, R. L., Womble, M. W., Mume, F. L. (2010), *Family resilience and mid life marital satisfaction*, *The family journal*, 18 (2), pp. 136-145.
 27. Johnson, R. (1999), *Family values*, *People Management*, 5, pp. 46-48.
 28. Kalil, A (2003), *Family Resilience and Good child outcomes, A review of Literature*, Center for social Research and Evaluation, Ministry of social Development, To Manato Whakahiato Ora.
 29. Kline, R. B. (1998), *Principles and practice of structural equation modeling*, New York: Guilford Press.
 30. Lambert, N. M. & Dollahite, D. C. (2006), *How religiosity helps couples prevent, Resolve & overcome marital conflict*, *Family Relations*, 55, pp. 439-449.
 31. McCubbin, H. I., & McCubbin, M. A. (1988), "Typologies of resilient families: Emerging roles of

- social class and ethnicity", *Family Relations*, 37, pp. 247-254.
32. McCubbin, M.A. & McCubbin, H.I. (1993), Families coping with illness: the resiliency model of family stress, adjustment and adaptation, In: Families, Health and Illness (eds C.B. Danielson, B. Hamel-Bissell & P. Winstead-Fry), pp. 21-63. CV Mosby, St. Louis, MO.
 33. Neff, L. A., Bradley, E. F. (2011), "Stress resilience in early marriage: can practice make perfect?" *Journal of personality & social psychology*, 98, pp. 1-18.
 34. Olson, D. H., Lavee, Y., & McCubbin, H. I. (1988), Types of families and family response to stress across the family life cycle, In A. Aldous & D. M. Klein (Eds.), *Social stress and family development* (pp. 16-43), New York City, NY: Guilford.
 35. Patterson, G. R (1983), *Stress: A change agent for family process*, Development in children (pp. 235-64), New York. McGraw-Hill.
 36. Payne, P. B. (2010), *Spiritual beliefs in Family Experiences and Couples Co-creation of spiritual beliefs During The Early Years of Marriage*, Doctoral dissertation, Northon School of Family And Consumer Sciences Division of Family studies and Human Development.
 37. Polk, L. V. (1997), "Toward middle range theory of resilience", *Advances in Nursing Science*, 19(3), 1-13. Available: <http://www.nnfr.org/research/polk.html> [1998, August 30]
 38. Richardson, E. Glenn. (2002), "The metatheory of resilience and resiliency", *Journal of Clinical Psychology*, Vol. 58(3), pp. 307-321.
 39. Sixbey, D. M. (2005), *Development of the family resilience assessment scale to identify family resilience constructs*, Doctoral dissertation, School of Counselor Education, University of Florida.
 40. Stinnett, N., & De Frain, J. (1989), "The healthy family: Is it possible?", In M. J. Fine (Ed.), *The second handbook on parent education* (pp. 53-74). San Diego, CA: Academic Press.
 41. Trivette, C. M., Dunst, C. J., Deal, A. G., Hamer, W., & Propst, S. (1990), "Assessing family strengths and family functioning style", *Topics in Early Childhood Specialist Education*, 10(1), pp. 16-35.
 42. Vanbreda, A. Duplessis. (2001), *Resilience Theory: A Literature Review*, South African Military Health Service, Military Psychological Institute, Social Work Research & Development, Pretoria, South Africa.
 43. Walsh, F. (1996), "The concept of family resilience: Crisis and challenge", *Family Process*, 35(3), pp. 261-281.
 44. Walsh, F. (2016), *Strengthening Family Resilience* (second edition), New York: Guilford Press p. 26.
 45. Williams, L. M. & Lawler, M. G. (2003), "Marital Satisfaction and Religious Heterogamy: A Comparison of Interchurch and Same-Church Individuals", *Journal of Family Issues*, 24, pp. 1070-1092.